

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی تأثیرات سیاسی و اجتماعی دوره قاجاریه و پهلوی بر معماری مذهبی یهودیان تهران

حمید افشار / دانشجوی دکتری تخصصی گروه باستان‌شناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Hkhamseh72@yahoo.com

کلیه هایده خمسه / استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

محمد بهرامزاده / استادیار بنیاد ایران‌شناسی

دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

چکیده

یهودیان تهران قدیمی‌ترین و بیشترین اقلیت ساکن این شهر هستند. با این حال اطلاعات اندکی از بناهای مذهبی این اقلیت به نسبت سایر اقلیت‌های ساکن تهران موجود است. بخشی از این شناخت اندک به سبب بی‌توجهی پژوهشگران به معماری مذهبی یهودیان به‌خاطر نداشتن معماری شاخص است؛ و بخش مهم‌تر به بی‌میلی یهودیان در معرفی آثار مذهبی خود بازمی‌گردد. ممانعت از رؤیت اماکن مذهبی یهودیان آگاهانه و با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی این اقلیت بوده و متناسب با تغییرات اجتماعی، میزان رؤیت‌پذیری کنیسه‌ها در سطح شهر تهران تغییر کرده است. در دوره قاجاریه به‌علل مذهبی تلاش واضحی در پنهان‌سازی کنیسه‌ها صورت می‌گرفت؛ اما با تحولات پس از مشروطه و اوایل حکومت پهلوی اول، تمایل به نمایان ساختن و ایجاد کنیسه‌های بزرگ با معماری شاخص به‌وجود آمد. اواخر دوره پهلوی اول تحولات سیاسی مجال‌چندانی برای ساخت کنیسه برای یهودیان فراهم نکرد؛ اما سیاست‌های بین‌المللی پهلوی دوم موجب ایجاد کنیسه‌های متعددی در شهر تهران شد. با این حال، شرایط اجتماعی و مخالفت‌های مردمی با سیاست‌های دولت در قبال اسرائیل، موجب شد تا مجدداً با رؤیت‌پذیری کنیسه‌ها در سطح شهر مخالفت شود و پنهان‌سازی آنها در قالب مدارس یهودیان صورت گیرد. این مقاله که به شیوه «میدانی» و تحقیق کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، با بررسی معماری مذهبی کنیسه‌های تهران از دوره قاجاریه تا پایان پهلوی، تحلیلی از شرایط اجتماعی و سیاسی این اقلیت مذهبی ارائه کرده است.

کلیدواژه‌ها: اماکن مذهبی، یهودیان، قاجاریه، پهلوی، معماری.

هرگاه سخن از معماری مذهبی به میان می‌آید، همواره بناهای باشکوهی مانند مساجد جامع و کلیساهای بزرگ و کمی دورتر، آتشکده‌های باستانی زرتشتیان به ذهن متبادر می‌شود. این در حالی است که تصویر واضحی از بناهای مذهبی یهودیان، حتی برای گروه‌های مرتبط با مسائل ادیان و معماری به ذهن خطور نمی‌کند. افزون بر این، درخصوص عبادتگاه‌های یهودیان، به‌ویژه در تهران کمتر تحقیق و بررسی شده است. بی‌میلی یهودیان در شناساندن اماکن مذهبی خود از مهم‌ترین علل کمبود اطلاعات در این حوزه است که از شرایط تاریخی - اجتماعی این اقلیت ریشه می‌گیرد و این در حالی است که یهودیان از قدیمی‌ترین اقلیت‌های ساکن تهران هستند و مطابق آمار اخذ شده توسط عبدالغفار در دوره ناصرالدین شاه، بیشترین جمعیت را نیز در بین سایر اقلیت‌ها داشتند.

تحلیل و بررسی اماکن مذهبی اقلیت‌های دینی تا حد زیادی اوضاع و احوال اقلیت‌ها در ادوار گذشته را نمایان می‌کند و این بدان روست که هر اثر معماری، زائیده تفکر معمار، گرایش ذهنی و شرایط اجتماعی زمانه اوست که در قالب حجمی در بافت شهری تجلی یافته است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که میزان تأثیرگذاری یک بنا در شهر یا میزان «رؤیت‌پذیری» آن، صرف‌نظر از شرایط اقتصادی، به میزان قابل توجهی با شرایط مساعد اجتماعی در ارتباط است. بررسی نقش ساختارهای اجتماعی و سیاسی حاکم بر معماری مذهبی یهودیان و شناخت صحیح این اماکن از اهداف اصلی پژوهش حاضر است. این تحقیق از نوع پژوهش‌های «بنیادی» است. داده‌های پژوهش به شیوه «مطالعه میدانی» و تحقیق کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با روش «توصیفی - تحلیلی» ارائه شده است.

در حوزه معماری مذهبی یهودیان تهران، غیر از چند تک‌نگاره تاریخی و توصیفی، پژوهشی صورت نگرفته است. مختصر فعالیت‌های صورت گرفته عمدتاً در زمره معرفی جاذبه‌های گردشگری و محدود به یکی از کنیسه‌های شهر تهران (کنیسه حییم) بوده که در خیابان سی‌تیر (یکی از مناطق پر جاذبه برای گردشگری) قرار دارد و حتی نام قریب ۳۱ کنیسه دیگر تهران برای اهل پژوهش آشنا نیست.

مهم‌ترین منبع مطالعه اجتماعی یهودیان نوشته حبیب لوی، مورخ یهودی، است (لوی، ۱۳۳۹).

دو کتاب *اودلاجان* (عودلاجان) و *محلہ کلیمان تهران* (تکمیل همایون، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵)، نگاهی تاریخی به اوضاع تهران و یهودیان آن دارند. مفهوم سکونت در محلات تهران بر پایه مستندات فرهنگی و اجتماعی در دوره قاجار و پهلوی بررسی شده است (حقیقت نائینی و همکاران، ۱۳۹۸).

مقاله «محلات و گورستان‌های یهودی»، بافت تاریخی محلہ «عودلاجان» را توصیف کرده است (بناییان، ۱۹۹۶).

مبانی و فلسفه معماری کنیسه (صدیق‌پور، ۱۳۸۳) و معرفی کنیسه‌های اصفهان (صدیق‌پور، ۱۳۹۶)، مهم‌ترین فعالیت صورت گرفته در این حوزه هستند.

توران مزلقانی بر پایه رساله صدیق پور و با دیدگاه عرفانی، عناصر نمادین کنیسه را معرفی کرده (مزلقانی، ۱۳۹۳) و تأثیر موازین فقهی بر معماری یهودیان اصفهان را بررسی نموده است (کریمیان و نیکزاد، ۱۳۹۱). «اندیشه یهودیان در ایجاد کنیسه» آخرین فعالیت صورت گرفته در حوزه شناخت معماری مذهبی یهودیان است (سنگتراش و پورمند، ۱۳۹۸).

کنیسه

یهودیان ایران عبادتگاه خود را «کنیسا» می‌نامند؛ اما این عنوان در میان غیر یهودیان مصطلح نیست و واژه «کنیسه» کاربرد بیشتری دارد. برخلاف نام «مسجد» که به معنای «محل سجده» و نشان‌دهنده فعلی است که در آن صورت می‌گیرد، کنیسه خانه‌ای برای گردهم آمدن و عبادت کردن است. در زبان انگلیسی واژه «synagogue» برگرفته از ریشه یونانی «sunagoge» اساساً به یک اجتماع اطلاق می‌شود تا یک مکان ملاقات، اگرچه آن معنی را هم در بطن خود دارد (کوهن، ۱۹۷۸، ص ۲۱۰-۲۱۲). برخی از یهودیان اروپا از واژه آلمانی «شول» (Shool) به معنی «مدرسه» برای اطلاق به عبادتگاه استفاده می‌کنند؛ زیرا در گذشته، میان عبادتگاه و محل تحصیل پیوستگی وجود داشته است. در زبان عبری «بت هکنست» یا «مکان تجمع» همان عبادتگاه است که برای نماز و نیایش به کار می‌رود و «بت همیدراش» یا محل تفسیر برای عبادت منظم و آموختن به کار می‌رود (آترمن، ۱۳۸۵، ص ۳۰۱).

قداست کنیسه به سبب عوامل گوناگون است؛ از جمله قرارگیری یک شیء مقدس (الواح تورات) در آن، حاضر شدن جماعت که خود امری مقدس است، و به واسطه اینکه نام خداوند آنجا ذکر می‌شود (صدیق پور، ۱۳۸۳، ص ۹۵-۱۰۹) و در نتیجه، فضاهای کاربردی کنیسه با این عوامل ارتباطی تنگاتنگ دارند.

مهم‌ترین قسمت کنیسه محلی است که الواح مقدس در آن نگهداری می‌شود. این قسمت که «هخال» نام دارد، رو به غرب و بیت‌المقدس ساخته می‌شود. برای «هخال»، واژه «آرون کدوش» به معنی «تورات‌خانه» نیز ذکر شده است (دهقان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷)، اما در ایران بیشتر از واژه «هخال» استفاده می‌شود.

دومین مکان از لحاظ اهمیت، جایگاه پیش‌نماز (شالیه صبیور) است که الواح و اذکار مقدس را تلاوت می‌کند. «بیماه» (Bimah) یا جایگاه پیش‌نماز محلی سکو مانند است و قریب ۴۰ سانتی‌متر از سطح زمین بالاتر قرار دارد و «میشگان» یا میز قرائت بر روی آن و رو به سوی «هخال» قرار می‌گیرد. بر این اساس، گنجه الواح مقدس و جایگاه پیش‌نماز را می‌توان با محراب و منبر در مساجد اسلامی مقایسه کرد. همان‌گونه که محراب در مساجد اسلامی کانون توجه فضاست و بیشترین تزئینات را دربر می‌گیرد، هخال در کنیسه مرکزیت دارد و پرتزئین‌ترین قسمت کنیسه است.

سومین مکان جایگاه نشستن عبادت‌کنندگان است که معمولاً از سه طرف، پیرامون جایگاه را دربر می‌گیرد.

سازمان دهی این محل‌ها پیرامون جایگاه پیش‌نماز و معمولاً رو به آن صورت می‌گیرد. این سازمان دهی جایگاه پیش‌نماز را به کانون توجه در عبادتگاه تبدیل می‌کند، همچنین تأکید دیگری بر پیش‌نماز به‌عنوان نماینده جماعت عبادت‌کننده است (صدیق‌پور، ۱۳۹۶).

قابل ذکر است که ساخت بنای مذهبی برای عبادت پیروان ادیان گوناگون، به‌ویژه ادیان توحیدی، اصولاً موازین معماری پیچیده‌ای ندارد و نیازمند ویژگی خاصی نیست؛ اما ادیانی که پیروان آن موفق به تشکیل حکومتی فراگیر شده‌اند، برای ساخت بناهای مذهبی، اصول و موازین و مشخصه‌های نمادین ایجاد کرده‌اند. برای مثال، مساجد نخستین، بسیار ساده و بدون ویژگی معماری شاخص و تزئینات خاص بود، درحالی‌که پس از شکل‌گیری حکومت اسلامی، به‌تدریج ویژگی‌ها، اجزا و انواع معماری اسلامی نیز شکل گرفت (پاپادوپولو، ۱۳۶۸، ص ۹-۱۰) و تزئینات ویژه‌ای برای ساخت مساجد مطرح شد، به‌گونه‌ای که هر بیننده‌ای هنگام مواجهه با آن، به وجود یک بنای مذهبی اسلامی پی می‌برد. اما مذهب یهود و بناهای مذهبی آن در میان سایر ادیان یک استثنا به‌شمار می‌رود.

حضرت موسی علیه السلام در حوالی سال ۱۳۵۰ پیش از میلاد، همزمان با رامسس دوم در مصر دیده به جهان گشود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸) و پس از ابلاغ نبوت خود، در مهاجرتی بزرگ، یهودیان را به سرزمین کنعان انتقال داد. ایشان در آغاز عبرانی و سپس «بنی اسرائیل» نامیده شدند و از دوران تبعید، گروهی از بزرگانشان در بابل (۵۹۸-۵۳۹ ق.م) به «یهودی» شهرت یافتند؛ زیرا تبعیدیان از قبیله یهودا بودند (شهبازی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۵). یهودیان از قدیمی‌ترین اقوام غیر ایرانی ساکن در این سرزمین هستند. برخی قدمت این سکونت را ۱۹۰ سال پیش از حمله کوروش به بابل و در زمان تیگلت پیلسر سوم پادشاه آشور دانسته‌اند. در این زمان تعدادی از اسرای یهودی به کوهپایه‌های دماوند کوچ داده شدند (قانون، ۱۳۸۸، ص ۹-۱۸).

با تشکیل سلسله هخامنشیان و در زمان داریوش، یهودیان در ایران حضوری چشمگیر یافتند. کوروش پس از تسخیر بابل، یهودیان را مورد عنایت خود قرار داد. به دستور وی ظروف طلا و نقره‌ای که از معبد اورشلیم به تاراج رفته بود به آنان بازگردانده شد و فرمان بازگشت آنان و مرمت معبد ایشان را که تخریب شده بود، صادر کرد (تاج‌پور، ۱۳۵۳، ص ۸۰). قوم یهود بعد از اسارت در بابل و رهایی در زمان کوروش هخامنشی از پراکنش گسترده‌ای برخوردار شد. بازگشت تعداد محدودی از آنان به اورشلیم و باقی ماندن بسیاری از آنان برای کسب موقعیت تجاری در بابل و مهاجرت‌های بعدی به داخل ایران، همواره آنان را در اقلیت قرار داد (بریان، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵ و ۱۰۵۳).

ابن‌فقیه در خصوص سکونت یهودیان در شهر اصفهان آورده است:

چون یهودیان هنگام گریختن از مقابل بخت‌النصر از بیت‌المقدس کوچ کردند، مقداری از آب و خاک آنجا را همراه برداشتند و پیوسته به هر جایی و هر شهری که وارد شدند آب و خاکش را وزن کردند تا به اصفهان رسیدند. بدین‌گونه در آن محل بار افکندند و چون آب و خاکش را وزن کردند و با آب و خاک بیت‌المقدس هم‌وزن دیدند، آنجا را منزلگاه کرده و دست به ساختن زدند و به توالد پرداختند (ابن‌فقیه، ۱۳۰۲ ق، ص ۲۶۱).

حد فاصل دوران صفوی تا اوایل قاجار، از اوضاع یهودیان اطلاع چندانی در دست نیست؛ اما در دوران قاجار سیل مهاجرت آنها به تهران روان شد. اگرچه ورود یهودیان به ایران، تاریخی طولانی دارد؛ اما از زمان اقامت آنان در تهران، مدت زیادی نمی‌گذرد (نجمی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۳). حبیب‌لوی، مورخ یهودی، با کمی اختلاف، سال ۱۱۶۰ شمسی را آغاز ورود کلیمیان به تهران می‌داند. همچنین وی اظهار داشته است:

یهودیان گیلعاد (شهری در دماوند)، شیراز، اصفهان و کاشان از سال ۱۲۰۵ شمسی متوجه تهران شدند و بعدها در دوران محمدشاه قاجار و خصوصاً اوایل سلطنت او که در اندرونی‌اش یک زن یهودی وجود داشت، شمار آنان روزبه‌روز زیاد شد، تا اینکه یهودیان خوانسار و دماوند و گلپایگان و همدان هم به آنجا روی آوردند (لوی، ۱۳۳۹، ص ۵۰۳).

همچنین قابل ذکر است: بدی معیشت یهودیان از جمله معیشت دوره‌گردی و دلالی که خاص یهودیان بود از یک سو و پایتختی تهران از سوی دیگر، یهودیان را بر آن داشت که فکر کنند استقرار حکومت حافظ آنان است و این از مهم‌ترین علل هجوم آنان به تهران بود (معتمدی، ۱۳۸۱، ص ۷۱). مطابق آمار سال ۱۲۸۴ قمری (تهیه عبدالغفار) یهودیان با ۱۵۷۸ تن، بیشترین اقلیت ساکن در تهران به‌شمار می‌روند (اتحادیه، ۱۳۷۴، ص ۱۵۱).

پراکندگی زیاد، فقدان سازوکارهای قدرت، برخی موازین فقهی در سرزمین‌های اسلامی، شرایط اقتصادی و حتی اندیشه‌های اجتماعی کلیمیان در عدم شکل‌گیری نوع خاص معماری و به‌ویژه معماری شاخص، تأثیرگذار بوده است (کوهن، ۱۹۷۸، ص ۲۱۰-۲۱۱)، به‌گونه‌ای که شرایط مناسب برای ساخت یک بنای مذهبی شاخص که از لحاظ ویژگی‌های ظاهری و نمادها، بیانگر یک بنای مذهبی یهودی باشد، فراهم نشده است. این موضوع مختص کنیسه‌های تهران نیست، بلکه کنیسه‌های کل ایران را دربر می‌گیرد. «هیچ‌یک از آنها [در اصفهان] از لحاظ ساختمان یا آثار هنری و تزئینات قابل توجه نیستند و بناهایی ساده و معمولی به‌شمار می‌روند» (هنرفر، ۱۳۵۰، ص ۱۷۸). این نکته حتی از نظر برخی یهودیان آشنا به معماری هم غافل‌نمانده است.

اگر قبول کنیم که یهودیان در کشورهای مسیحی بیشتر از اجداد من و شما سختی کشیده‌اند، این پرسش پیش می‌آید که چرا گروه ساختمان‌های اثرگذار این کشورها، یعنی کنیسه‌ها در اروپا و اروپای شرقی تا این حد با عظمت، زیبا و مجلل هستند؟ در حالی که در میان آثار باقیمانده کنیسه‌های ایرانی - بجز یکی دو نمونه - اثری از یک معماری زیبا - جلال و عظمت هم به کنار - دیده نمی‌شود (گبای، ۱۹۹۶، ص ۴۳).

به‌هرروی، برای شناخت کنیسه‌های تهران باید آنها را در دو دوره متمایز بررسی کرد: دوره اول کنیسه‌های قاجاری که به قبل و بعد از مشروطه تقسیم می‌شوند، و دوره دوم کنیسه‌های دوران پهلوی که به دوره پهلوی اول و دوم قابل تفکیک هستند.

بررسی اماکن مذهبی یهودیان تهران در دوره قاجاریه

ساکنان تهران در دوره قاجاریه با توجه به رشد مهاجرت و توسعه شهر و نظر به ساختار محلات، تمایل زیادی به تمرکز قشرهای همسان اجتماعی، قومیتی، مذهبی در کنار هم داشتند. یهودیان نیز چنین بودند. همچنین ایجاد

محدوده‌های امن برای حفظ حریم منازل و اماکن مذهبی و دسترسی مناسب به مواد خوراکی «کاشر» (حلال) برای یهودیان از عوامل تأثیرگذار در تمرکز استقرار آنها در یک محله بود (حقیقت نائینی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۶۳).
 اخباری حاکی از ممانعت سکونت آنان در تهران وجود دارد که با وساطت یکی از مراجع، بخشی از محله «عودلاجان» برای سکونت آنها در نظر گرفته شد (نجمی، ۱۳۷۰، ص ۵۸). ایشان به دلایل اجتماعی و دینی به تدریج در این محله ساکن شدند و محله را به نام خود کردند (تکمیل‌همایون، ۱۳۹۵، ص ۱۰). مطابق آمار سال ۱۲۸۴ قمری (تهیه عبدالغفار) یهودیان با ۵۷۸،۱ تن جمعیت، بیشترین اقلیت ساکن در تهران به‌شمار می‌رفتند (اتحادیه، ۱۳۷۴، ص ۱۵۱). با این وجود، گردآوری اطلاعات متقن از تاریخ ساخت کنیسه‌های قاجاری تهران و تعداد آنها کاری دشوار است.

یهودیان، به‌ویژه در دوره قاجار تمایل چندانی به ثبت و ضبط آداب و رسوم و وقایع فرهنگی خود نداشتند. این موضوع درخصوص کنیسه‌ها به‌گونه‌ای است که - به استثنای چند مورد که تاریخ ساخت آنها ذکر شده - اطلاع دقیقی از تاریخچه دیگر کنیسه‌ها موجود نیست. علاوه بر این، نوع نگاه به کنیسه در میان یهودیان (به‌ویژه در کنیسه‌های قدیمی) با آنچه در مساجد اسلامی وجود دارد، متفاوت است. احکام اولیه اسلامی با تغییر کاربری مساجد اسلامی مخالف است و تنها در شرایط اضطرار و براساس احکام ثانویه اجازه تخریب و یا تغییر کاربری آنها صادر می‌شود. اما یهودیان درخصوص کنیسه‌های خود، چنین نگاهی مذهبی و فقهی ندارند. چه‌بسا منازل مسکونی را به کنیسه تبدیل کنند و یا برخی از آنها، به‌ویژه در محله «عودلاجان» فروخته شده و یا تغییر کاربری یافته است. بدین‌روی تهیه آمار دقیق از کنیسه‌های قاجاری ممکن نیست و تنها به اشارات محدودی که در میان برخی از منابع مطالعاتی وجود دارد، باید اتکا کرد.

بر این اساس، «کنیسه بزرگ» در زمان فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ق) توسط حاجی برخوردار ساخته شد و گویا نخستین کنیسه تهران بوده است. بعدها «کنیسه کوچک»، «کنیسه یعقوب داود»، «کنیسه عزرا یعقوب» و «کنیسه خاله» نیز ساخته شدند (لوی، ۱۳۳۹، ص ۱۰۳۹ و ۶۷۲). مطابق برآورد به‌عمل‌آمده قریب ۱۱ باب کنیسه قاجاری در تهران وجود داشته که ۱۰ باب آن در محله یهودیان و پیش از مشروطه و یک باب خارج از محله یهودیان و پس از مشروطه (کنیسه حیم) ساخته شده است. از این تعداد تنها ۴ کنیسه «حاداش»، «حکیم آشر»، «عزرا یعقوب» و «حیم» باقی مانده بود که در سال ۱۳۸۴ کنیسه «حاداش» نیز مطابق برنامه تعریض کوچه‌های محله «عودلاجان» تخریب شد.

حکیم آشر که او را یکی از طبیبان ناصرالدین‌شاه گفته‌اند، در سال ۱۳۱۰ قمری/ ۱۲۷۱ شمسی، کنیسه‌ای موسوم به «شلمو کهن صدق» (سلطان سلیمان) در کنار «کنیسه حاداش» بنا کرد که بعدها به‌نام خود وی معروف شد (نجمی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۳). این کنیسه در کوچه مشیرخلوت، کوچه نیک‌ضمیر، بن‌بست درختی قرار دارد و در حال حاضر، قدیمی‌ترین کنیسه تهران است. در نمای بیرونی آن، نه‌تنها وجه شاخصی وجود ندارد، بلکه هیچ‌گونه

تمایزی میان ظاهر کنیسه و ابنیه مسکونی مجاور (حتی از نظر ابعاد) نمی‌توان یافت. ورودی کنیسه تماماً در کوچه بن‌بست تعبیه شده، در صورتی که امکان ایجاد آن به‌صورت مستقیم از کوچه اصلی وجود داشته است. چهارستون اطراف جایگاه پیش‌نماز (سکوی تواب) که پایه ستونی ساده و سرستون مزین و گچبری شده دارند و دیوارهای داخلی عبادتگاه که با کنیسه‌ها و دعا‌های مذهبی در بالای قوس طاقچه‌ها و درهای ورودی مزین شده، تنها وجه تمایز این کنیسه با بناهای مسکونی است.

عزرا یعقوب، از تجار سرشناس یهودی، وصیت کرد که از اموال او کنیسه‌ای بنا کنند. «کنیسه عزرایعقوب» در خیابان شهید مصطفی خمینی، کوچه سنگی، کوچه حکیم، بن‌بست دوم، پلاک ۱۶ قرار دارد. با توجه به سال فوت عزرایعقوب در ۱۸۹۵ میلادی (لوی، ۱۳۳۹، ص ۶۷۱) و وصیتنامه باقی مانده از او، زمان تأسیس کنیسه را با کمی اختلاف، می‌توان بین سال‌های ۱۲۷۳ تا ۱۲۷۷ شمسی دانست. این کنیسه در انتهای یک کوچه باریک واقع شده است و سه عبادتگاه مجزا از هم را شامل می‌شود. بدنه بنا از بیرون قابل رؤیت نیست. داشتن آب انبار مطابق سنت خانه‌های قدیمی تهران از ویژگی‌های این بناست. به‌نظر می‌رسد این عبادتگاه‌ها در یک زمان ساخته نشده‌اند.

بررسی شرایط موثر بر معماری مذهبی یهودیان

دوره قاجار

معماری و نحوه طراحی فضاهای شهری معمولاً بازتابی از ماهیت جامعه و رفتارهای آن است (کریمیان و احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۷). بدین‌روی بررسی معماری مذهبی یهودیان بازتابی از شرایط اجتماعی دوران ساخت آن را منعکس می‌کند. شاخصه اصلی کنیسه‌های تهران پیش از مشروطه، کوچکی، سادگی و کمترین ارتباط بصری با بافت شهری است. گاه ابعاد و تزئینات برخی از کنیسه‌ها را با مساجد بسیار کوچک تهران نیز نمی‌توان مقایسه کرد. درواقع تا پیش از مشروطه، حتی اندیشه‌ای برای ایجاد عبادتگاهی متناسب با تعداد افراد بیشتر و یا آنچه به تعریف «مساجد جامع» نزدیک باشد، در میان یهودیان مشاهده نشده است. یعنی: در دوران قاجاریه هیچگاه اندیشه‌ای برای ایجاد یک کنیسه بزرگ و جامع وجود نداشته و تنها با افزایش جمعیت و نیاز به فضای بیشتر برای عبادت، کنیسه دیگری در محله یهودیان ساخته شده است. تعداد نسبتاً زیاد کنیسه‌های کوچک در کنار هم و حتی هم‌جوار در محله یهودیان و یا وجود چند عبادتگاه در یک مجموعه (مانند عزرایعقوب) گواه این مدعاست.

قرار دادن کنیسه در کوچه‌های بن‌بست، ورودی‌های غیرمستقیم با کوچه، ارتباط بصری اندک و یا به تعبیر بهتر، تمایل به پنهان کردن بناهای مذهبی در بافت شهری، امری نهادینه شده در میان یهودیان است و این موضوع تنها به پنهان کردن ظاهری بنا محدود نمی‌شود. یهودیان بنا به سنت خود، از به‌کاربردن واژه «کنیسه» در بین مسلمانان پرهیز داشته و معمولاً برای نام عبادتگاه خود از واژه «مسجد» استفاده می‌کردند. این موضوع در میان ساکنان محله عودلاجان چنان جا افتاده که کوچه‌ای که در آن هفت کنیسه قرار داشت، به کوچه «هفت مسجد» و

بن‌بستی که دو «کنیسه یزدی‌ها» و «داود مشه» (کنیسه‌های دوران پهلوی دوم) در آن قرار دارد، با وجود آنکه مسجدی در آنجا نیست، به کوچه «دو مسجد» موسوم شده است.

در این زمینه بررسی دو نقشه قدیمی تهران، موسوم به «نقشه کرشش» (August Krziz) و «نقشه عبدالغفار» که در اوایل دوره ناصری و اواخر آن ترسیم شده‌اند (علائی، ۱۳۸۱، ص ۵۲۷)، حائز اهمیت است. در هر دو نقشه مذکور، هرچند محله یهودیان و کوچه‌های آن به‌وضوح ترسیم شده، اما هیچ نامی از کنیسه‌های موجود در این محله قید نشده است. این در حالی است که از شیوه‌های مرسوم آدرس‌دهی و ترسیم حدود در آن ادوار، ذکر نام خانه‌های افراد شاخص در هر محله و یا بناهای مهم برای تعیین حدود محلات بوده است. غیر از عنوان «محله یهودیان» هیچ مشخصه دیگری برای این محله قید نشده است.

یکی دیگر از خصوصیات کنیسه‌های قدیمی تهران همجواری مدرسه و کنیسه است. «قبل و در کنار اینکه مدارس آلیانس در ایران تأسیس گردد، مکتب‌خانه‌هایی در کنیسه‌ها دایر بود که به بچه‌ها عبری یاد می‌داد و تا حدودی آنها را آشنا به فرائض مذهبی می‌کرد» (کهنیم، ۱۹۹۳، ص ۱۳۷).

مطابق اطلاعات گردآوری شده، کنیسه تخریب شده «خاداش»، علی‌رغم کوچکی از دو بخش شمالی و جنوبی تشکیل می‌شد که قسمت شمالی آن معمولاً برای تدریس علوم مذهبی استفاده می‌گردیده‌است (یشایایی، ۱۳۹۹، مصاحبه شونده).

جمع‌بندی مطالب ذکر شده با بررسی موقعیت مکان و ساختار معماری دو کنیسه «حکیم آشر» و «عزرائعقوب»، حاکی از آن است که کنیسه‌های دوران قاجاری تهران پیش از مشروطه، شاخصه معماری متمایزی ندارند؛ تنها در محله یهودی‌نشین ساخته شده‌اند؛ بناهایی کوچک هستند؛ هیچ‌گونه تمایز ظاهری با خانه‌های مسکونی پیرامون خود ندارند و با قرارگرفتن در کوچه‌های بن‌بست، کمترین سطح رؤیت‌پذیری را در بافت شهری دارند.

عصر مشروطه

پیامدهای سیاسی و اجتماعی مشروطه در زندگی یهودیان و معماری مذهبی آنها مهم و تأثیرگذار بوده است. اگرچه یهودیان مردمانی سیاسی نبودند (تاج‌پور، ۱۳۵۳، ص ۹۷) و نسبت به دیگر اقلیت‌ها در انقلاب مشروطه سهم کمتری داشتند، اما تصویب قانون اساسی و حق داشتن یک نماینده در مجلس (بشیری، ۱۳۶۳، ص ۵۹۷) و قانون تساوی حقوق و مصونیت از تعرض دیگران (نتصر، ۱۹۹۶، ص ۳۶-۳۷) تأثیر بسزایی در تعامل اجتماعی این اقلیت با جامعه و شیوه معماری مذهبی آنها داشت. تا پیش از مشروطه، یهودیان تمایل شدیدی به زیستن در کنار هم و داخل محله یهودیان داشتند، اما به تدریج تغییراتی در این زمینه به‌وجود آمد. «گذشته از تعدادی یهودی متمکن که - به اصطلاح آن روزها - خیابان رفته بودند، یعنی دیگر در محله کلیمی زندگی نمی‌کردند، بقیه کلیمیان تهران در محله ساکن بودند» (یشایایی، ۱۳۸۸، ص ۷۸).

مشروطه مبنایی برای تغییرات اجتماعی یهودیان فراهم کرد. مدارس مخصوص یهودیان (آلیانس) که از اندکی قبل، تحت نظارت سازمان‌های بین‌المللی یهودی و حمایت غربیان در ایران آغاز به کار کرده بودند، آموزش زبان فرانسوی و انگلیسی و گشوده‌شدن راه‌های تجارت به کشورهای اروپایی، انتشار نشریات ویژه این اقلیت و آشنایی با صنعت چاپ، به تدریج شرایط این اقلیت را دگرگون کرد (معلمی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰). در این دوره یهودیان از اعلامیه بلفور (۱۲۹۶ق) که خبر آن از طریق صهیونیست‌های سن پترزبورگ دریافت شده بود، استقبال کردند. «جلسه‌ای در «کنیسه خاله» و بعد در «کنیسه حاداش» تشکیل شد. یهودیان ایران این اعلامیه را نشانه‌ای از تحقق «نجات» دانستند. برگزاری این جلسه منجر به تأسیس «انجمن فرهنگی جوانان یهودی تهران» گردید» (لوی، ۱۳۳۹، ص ۸۷۶). همین شرایط متمایزی برای یهودیان رقم زد.

«کنیسه حییم» نخستین بنای مذهبی یهودیان در خارج از محله یهودی‌نشین تهران (عودلاجان) و متمایزترین آنها (نسبت به کنیسه‌هایی پیشین) از لحاظ ابعاد و ساختار معماری است. «کنیسه حییم» در خیابان سی تیر، تقاطع کوچه سیمی و شاطری قرار دارد. این کنیسه نمایی آشکار دارد و نخستین کنیسه به نسبت رؤیت‌پذیری در بافت شهری است. در سردر ورودی کنیسه، سال ۵۶۷۴ عبری (۱۲۹۲ش) به‌عنوان تاریخ ساخت بنا ذکر شده و جایگاه الواح این کنیسه یکی از پرتزئین‌ترین و پرکارترین جایگاه‌های الواح (هخال) در بین کنیسه‌های تهران و ایران است. این کنیسه محل اسکان آوارگان لهستانی جنگ جهانی دوم بوده است. این افراد در حیاط «کنیسه حییم»، کنیسه کوچکی مخصوص به خود ایجاد کردند که تنها «کنیسه اشکنازی» ایران محسوب می‌شود.

دوره پهلوی

دوره رضاخان همزمان با تغییرات اساسی در بافت شهری تهران است. تغییر در بافت محله، خیابان‌کشی، برداشتن دروازه و حصار شهر، تخریب و تسطیح وسیع بعضی محلات و شکل‌گیری محلات جدید (کیانی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۹) همراه با توجه بیشتر به تهران به‌عنوان پایتخت و برداشته‌شدن برخی از موانع و مشکلاتی که در گذشته بر سر تحرک جمعیت وجود داشت، تأثیراتی بر میزان جمعیت و پراکنش استقرار یهودیان تهران به‌وجود آورد (معلمی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳).

محله یهودیان تهران در این دوره به‌واسطه ایجاد خیابان سیروس (مصطفی خمینی) با تغییرات اساسی مواجه شد. «دوپاره شدن عودلاجان به شرق خیابان سیروس (محله اغنایای کلیمی) و غرب آن (محله طبقه متوسط و کم‌بضاعت) نوعی آشفتنگی پدید آورد» (تکمیل همایون، ۱۳۹۵، ص ۹۷) و شرایط به‌گونه‌ای پیش‌رفت که در حال حاضر، محله کلیمیان - تهران جز معدودی - خالی از سکنه است.

یهودیان از دو جهت و در دو مسیر غربی و شرقی به طرف شمال تهران حرکت کردند: یکی از طریق خیابان پهلوی (ولی عصر کنونی) و دیگری از طریق خیابان سیروس و بهارستان و سپاه به طرف شمیران حرکت کردند... بدین ترتیب، در مسیر غربی اولین محله از این دست که در خارج از عودلاجان به وجود آمد محله قوام السلطنه، و چهارراه حسن آباد دومین محله در خیابان شیخ‌های... بود (بنایان، ۱۹۹۶، ص ۲۲۹-۲۳۰).

بررسی به عمل آمده حاکی از شروع دوران جدید و تغییرات ساختاری در معماری مذهبی یهودیان است. کنیسه‌های ساخته شده بعد از دوران قاجار، الگوی ساخت و ساز متفاوتی را نسبت به قبل نشان می‌دهند. همچنین به لحاظ تعداد، دوران پهلوی با ساخت ۲۹ کنیسه، از پررونق‌ترین ادوار ساخت معماری مذهبی یهودیان است. قابل ذکر است که از میان کنیسه‌های این دوران، تنها ۴ کنیسه در دوره پهلوی اول ایجاد شده که خود نشانگر تمایز شرایط اجتماعی و سیاسی یهودیان در دوره رضاشاه و محمدرضا پهلوی است. از میان چهار کنیسه دوره رضاخانی، «کنیسه ملاحینا» در محله عودلاجان (یشایایی، ۱۳۹۸، مصاحبه شونده)، «کنیسه لویان» (تحقیقات میدانی) و «پل چوبی» (تاریخ ساخت بنا در ذیل عکسی در انجمن کلیمیان، ۱۳۱۰ شمسی ذکر شده است) در محدوده خیابان انقلاب و «کنیسه کوروش» (براساس کتیبه سردر بنا که در آن سال ۱۳۱۰ شمسی ذکر شده است) در خیابان شیخ‌های قرار دارند. در این دوره از یک سو، برخی منازل مسکونی با تغییر کاربری به کنیسه تبدیل شده (کنیسه لویان) و از سوی دیگر کنیسه‌هایی مانند «کنیسه کوروش» و «پل چوبی» ساخته شده‌اند که نشانگر چالش میان سنت‌گرایی و تمایل به تغییر ساختاری در بناهای مذهبی هستند.

نکته حائز اهمیت در خصوص دوره پهلوی اول، شروع ساخت کنیسه‌های بزرگ و ایجاد معماری شاخص برای عبادت یهودیان تهران است. برای مثال، «کنیسه پل چوبی» نسبت به کنیسه‌های قاجاری، بنایی یادمانی و باشکوه محسوب می‌شود. محل قرارگیری الواح در این کنیسه که با کاشی معرق و شبیه محراب مساجد اسلامی تزئین شده، پرکارترین و قابل توجه‌ترین قسمت بناست. کتیبه‌های مذهبی به همراه نقوش هندسی، تزئین‌کننده این قسمت معرق کاری شده هستند. پنجره‌های بازلیکای (طول بیشتر نسبت به عرض) از شاخصه‌های معماری این بنا به‌شمار می‌رود.

«کنیسه کوروش» با وجود برخی تأثیرات از معماری کنیسه‌های اصلاح‌گرایان اروپا، منحصر به‌فردترین کنیسه ایران از لحاظ ویژگی‌های معماری مذهبی یهودی است. در این کنیسه ساختارهای معماری مذهبی جامعه یهودی ایران دچار تغییرات بنیادین شده است. این کنیسه که در سال ۱۳۱۰ شمسی به صورت یک بنای مجزا در مجاورت چند بنای دیگر، مجموعاً در زمینی به مساحت ۱۶۱۵ متر مربع ساخته شده در خیابان شیخ‌های، خیابان هانف واقع است (ملک، ۱۳۹۶، ص ۵۶). نمای کنیسه عبارت است از: یک طاقنمای میانی عریض و ۶ طاقنمای کشیده قرینه در دو طرف که پنجره‌های بازلیکایی را با ارتفاع ۲۵۰ سانتی‌متر و عرض ۵۰ سانتی‌متر دربر گرفته‌اند و در بالا به قوسی با کاربردی ختم می‌شوند. پنجره‌ها با حفاظ فلزی به شکل

ستاره داودی مزین شده‌اند. داخل عبادتگاه، فضایی مکعب مستطیل با طول ۲۰ و عرض ۸ متر است. غیر از جبهه‌های جایگاه الواح و ورودی، در هیچ‌یک از اضلاع کنیسه، تنوع و یا جزئیات ساختمانی مشاهده نمی‌شود. جایگاه پیش‌نماز، برخلاف الگوی معمول (در میانه فضا)، به جایگاه الواح نزدیک شده است. جایگاه الواح، تمام جبهه غربی را شامل می‌شود و به اندازه ۱۲۰ سانتی‌متر از سطح زمین بالاتر است. نحوه قرار گرفتن عبادت‌کنندگان پیرامون جایگاه پیش‌نماز تغییری ساختاری دارد.

الگوی چیدمان محل عبادت‌کنندگان در کنیسه‌های سنتی به‌گونه‌ای است که صندلی‌ها از همه جهات - غیر از جبهه‌ای که هخال در آن قرار گرفته - رو به سمت جایگاه پیش‌نماز است. اما در «کنیسه کوروش» تغییر چیدمان محسوسی دیده می‌شود. در این کنیسه صندلی‌ها پشت سر هم و در یک ردیف چیده شده‌اند. همچنین جایگاه الواح (هخال) این کنیسه سبکی متمایز از کنیسه‌های دیگر دارد. در این بخش، سکویی ایجاد شده و جایگاه پیش‌نماز در پایین سکو و جلوی عبادت‌کنندگان قرار گرفته است. در واقع کانون توجه و مرکزیت پیش‌نماز حذف شده و یک الگوی خطی برای جلب توجه عبادت‌کنندگان به‌وجود آمده است. این شیوه تداعی‌کننده الگوپردازی از معماری مذهبی مسیحی (کلیسا) در ساخت این کنیسه است. علاوه بر این، پنجره‌های بازلیکایی این کنیسه که سابقه‌ای از آن در معماری مذهبی یهودی و حتی معماری سنتی ایرانی وجود ندارد، حاکی از الگوپردازی از کلیسا برای ساخت «کنیسه کوروش» است.

همان‌گونه که ذکر شد، آیین یهود موفق به ایجاد زبان و بیان ویژه‌ای برای معماری مذهبی خود نشد و یهودیان در زمینه ساخت عبادتگاه، تابع معماری پیرامون محل سکونت خود بودند. این موضوع به کنیسه‌های موجود در سرزمین‌های اسلامی محدود نمی‌شود و در قلمرو آیین مسیحیت نیز دیده شده است. «بسیاری کنیسه‌ها تحت تأثیر ساختمان کلیساها بوده‌اند، اگرچه البته شکل صلیبی آنها را هرگز به خود نگرفته‌اند» (فرزین، ۱۳۸۰، ص ۳۶۲). علاوه بر این موضوع که عمومیت دارد، قرن نوزدهم میلادی جنبش‌های اصلاح‌گرایانه یهودیان اروپا، تغییراتی در برخی مبانی مذهبی و به تبع آن، معماری مذهبی یهودی به‌وجود آوردند. «مهم‌ترین نیت جنبش اصلاح‌گرایان یهودی، تمایل به همنوایی و همسویی با سنن کشورهای بود که یهودیان در آن ساکن بودند» (اپستاین، ۱۳۸۸، ص ۳۵۵).

کنیسه‌ای که *یاکوبسن* (Jakobson)، چهره شاخص اصلاح‌گرایان یهودی، ساخت ویژگی‌های زیادی را از کلیساهای مسیحیان اقتباس کرده بود که تا پیش از آن سابقه‌ای نداشت و تأثیراتی در دیگر کنیسه‌های زمان خود به‌وجود آورد. مهم‌ترین تغییراتی که در این کنیسه به‌چشم می‌خورد، اختلاط محل عبادت زنان و مردان، کاربرد آلات موسیقی در مراسم عبادت و تغییر موضع جایگاه پیش‌نماز بود. البته «راست‌کیشان (ارتدوکس) تشکیل گروه‌های همخوانی در کنیسه، استفاده از وسایل موسیقی به‌همراه سرودهای نیایشی نماز کنیسه را تقلید از مسیحیان می‌دانستند و محکوم می‌کردند» (آترمن، ۱۳۸۵، ص ۳۰۴).

برقراری ارتباط با یهودیان خارج از کشور و تأثیرپذیرفتن از جنبش اصلاح‌گرایانه اروپا را به‌احتمال می‌توان منشأ تغییرات معماری مذهبی در «کنیسه کوروش» دانست. با توجه به اینکه تا پیش از این، کنیسه مزبور آثاری از نزدیک‌شدن جایگاه پیش‌نماز به هخمال و تغییر چیدمان محل نشستن عبادت‌کنندگان و نورگیرهای بازلیکایی در ساخت کنیسه‌های ایران وجود ندارد، الهام‌گرفتن این تغییرات را می‌توان متأثر از حضور یهودیان غربی و یا بازگشت عده‌ای از تحصیل‌کردگان یهودی توجیه و تفسیر کرد.

دوره پهلوی دوم دوره‌ای کاملاً متمایز از ادوار پیشین در ساخت و ایجاد معماری مذهبی یهودیان و دوره فراوانی ساخت کنیسه در تهران به‌شمار می‌رود. کنیسه‌های ایجاد شده در دوره پهلوی دوم از لحاظ نوع معماری در سه دسته «معماری مسکونی»، «کنیسه - مدرسه»؛ و «کنیسه‌هایی با معماری شاخص» قابل بررسی است.

الف) کنیسه با معماری مسکونی

این گروه از کنیسه‌های تهران امتداد سنت کنیسه‌سازی یهودیان به‌شمار می‌روند. این دسته کنیسه‌ها - همانند کنیسه‌های دوران قاجار - متأثر از بافت محله مسکونی پیرامون خود هستند، هرچند از نظر ابعاد و اندازه از کنیسه‌های قاجاری بزرگ‌ترند. همچنین همانند کنیسه‌های قاجاری هیچ‌گونه مشخصه ظاهری، اعم از معماری شاخص و یا نماد ویژه اقلیت و حتی کتیبه عنوان بر روی ورودی بنای کنیسه مشاهده نمی‌شود.

جدول (۱): کنیسه‌های با معماری مسکونی تهران

کنیسه	محدوده و موقعیت بنا	ویژگی معماری	نماد در بیرون بنا	کتیبه عنوان	تزئینات
کنیسه خانه سالمنان ۱۳۴۵	خ دماوند خ عاشق‌بچه	اتاق ساده	ندارد	ندارد	ندارد
کنیسه نصرت قریب ۱۳۵۰	م توحید خ نصرت	معماری مسکونی	ندارد	ندارد	ندارد
کنیسه عبدالله‌زاده	خ فلسطین شمالی	معماری مسکونی	ندارد	ندارد	هخمال چوبی
کنیسه طرشت	اسکندری جنوبی، شکوفه	معماری مسکونی	ندارد	ندارد	ساده
کنیسه رفیع نیا	طالقانی، فریمان	معماری مسکونی	ندارد	ندارد	ندارد
کنیسه ملایوسف شرگاه	خ انقلاب، ابن سینا	معماری مسکونی	ندارد	دارد	ندارد
کنیسه بت ال	ح حافظ	معماری مسکونی	ندارد	ندارد	گچبری محدود
کنیسه سیدخندان	سید خندان	معماری مسکونی	ندارد	ندارد	هخمال چوبی و گچبری
کنیسه گیشا	گیشا	معماری مسکونی	ندارد	ندارد	ندارد
کنیسه نقتالی (داود مشه)	عودلاجان، ک دومسجد	معماری مسکونی	ندارد	ندارد	هخمال گچبری
کنیسه یوسف خداداد (یزدی‌ها)	عودلاجان، ک دومسجد	معماری مسکونی	ندارد	ندارد	ندارد

این دسته شامل کنیسه‌هایی است که در داخل مدارس به صورت واحدی مجزا و یا بخشی از طبقه فوقانی مجموعه مدرسه ایجاد شده‌اند (به علت رعایت برخی از موازین شرعی، بالاترین طبقه به کنیسه اختصاص داده شده است). گفتنی است: همراهی کنیسه و مدرسه در این دوره تفاوت ماهوی با کنیسه - مدرسه‌های دوران قاجاریه دارد؛ زیرا در آن دوره محل تدریس جزئی از محل عبادت بود و تدریس به‌منزله آموزش امور دینی صورت می‌گرفت. اما در دوره پهلوی دوم، پیوستگی مدرسه و کنیسه تنها برای استفاده بهینه از فضای شهری و احتمالاً اجتناب از رؤیت‌پذیری در بافت شهری است. در نمای این دسته از کنیسه‌ها نیز همانند بسیاری از کنیسه‌های ایران، از ذکر نام و نماد و نشان کنیسه پرهیز شده است. در واقع، کنیسه‌نه‌تنها رؤیت‌پذیری آشکاری در بافت شهری ندارد، بلکه تحت عنوان «مدرسه» پنهان شده است.

جدول (۲): کنیسه‌های دارای ساختار «کنیسه - مدرسه» تهران

کنیسه	محدوده و موقعیت بنا	ویژگی معماری	نماد در بیرون بنا	کنیسه عنوان	تزئینات
کنیسه گرگان	خ نامجو (گرگان)، شهدا	داخل مدرسه	ندارد	ندارد	هخال آینه‌کاری
کنیسه فخرآباد	خ مجاهدین اسلامی، خ مشکی	داخل مدرسه	ندارد	ندارد	هخال شبیه قبه‌الصخره
کنیسه زرگریان	جمالزاده، نیلوفر	داخل مدرسه	ندارد	کنیسه از داخل مدرسه دارد	ندارد
کنیسه روحی‌شاد	انقلاب، سعدی	داخل مدرسه	شمعدان منوره	ندارد	هخال چوبی و گچبری
کنیسه راه دانش	سید جمال‌الدین اسدآبادی	داخل مدرسه	ندارد	ندارد	ندارد
کنیسه باغ صبا	شریعی	داخل مدرسه	ندارد	ندارد	ندارد
کنیسه ابریشمی	فلسطین	داخل مدرسه	ندارد	ندارد	ندارد
کنیسه کهن	نواب	داخل مدرسه	ستاره داودی در حفاظ پنجره	ندارد	هخال آینه‌کاری
کنیسه اتحاد	مصطفی خمینی، مجاهدین اسلام	داخل مدرسه	ندارد	کنیسه (در داخل)	ندارد
کنیسه اتفاق	خ انقلاب، قدس	داخل مدرسه و متمایز	دارد	کنیسه (در داخل)	هخال مزین

(ج) کنیسه با معماری شاخص

تعداد محدودی از کنیسه‌های دوره پهلوی دوم از لحاظ ابعاد و اندازه، ویژگی‌های طراحی، معماری و تزئینات، بناهایی شاخص و متمایز به‌شمار می‌روند. این دسته از کنیسه‌ها از ابتدا با نیت ایجاد بنایی یادمانی و برای تعداد زیادی از عبادت‌کنندگان طراحی شده و به‌نوعی جامعیت دارند. «کنیسه یوسف‌آباد»، «کنیسه حکیم»، «کنیسه بهشتیه»، «کنیسه خراسانی‌ها» (و کنیسه - مدرسه اتفاق) دارای معماری شاخص و متمایز هستند.

جدول (۳): کنیسه‌های دارای معماری شاخص در شهر تهران

کنیسه	محدوده و موقعیت بنا	ویژگی معماری	نماد	کنیسه عنوان	ترتیبات
کنیسه خراسانی‌ها	فاطمی، زرتشت	معماری متمایز	ندارد	ندارد	نقاشی روی شیشه
کنیسه حکیم	زعفرانیه	معماری متمایز (شیشه خیمه)	ندارد	ندارد	نقاشی روی شیشه
کنیسه یوسف‌آباد	سید جمال‌الدین اسدآبادی	معماری متمایز	ندارد	کنیسه کاشیکاری به خط عبری	کاشیکاری و هخال چوبی
کنیسه پهنشینه	خاوران	معماری متمایز	ندارد	ندارد	ندارد

بررسی شرایط اجتماعی و سیاسی مؤثر بر معماری مذهبی یهودیان دوره پهلوی

شرایط اجتماعی یهودیان و معماری مذهبی آنها در دوره پهلوی به شدت تحت تأثیر شرایط سیاسی بوده و پیچیدگی‌های خاصی داشته است. اقدامات رضاشاه در ابتدای دوران حکومت خود، در زمینه برابری شهروندان ایرانی، شرایط مناسبی برای اقلیت‌های دینی و به‌ویژه یهودیان فراهم آورد. البته این موضوع به معنای تمایل رضاشاه به یهودیان و حمایت از آنها نبود، بلکه از تمایل وی به برابری تمام ایرانیان در یک سطح و در مقابل دولتی نیرومند ریشه می‌گرفت (مخبر دزفولی، ۱۳۷۱، ص ۴۱-۴۲). همچنین حمایت دولت انگلیس نقش تأثیرگذاری در وضعیت یهودیان داشت. گذشته از حمایت‌های آنان از اقلیت‌ها در دوران قاجاریه، رسمیت یافتن قبیله انگلستان بر فلسطین در سال ۱۳۰۱ ش/۱۹۲۲م توسط جامعه ملل و پذیرش این موضوع توسط حکومت ایران که یکی از اعضای جامعه ملل به‌شمار می‌آمد، عاملی در جهت حمایت یهودیان به‌شمار می‌رفت. جامعه ملل پیرو قرارداد قیومیت انگلیس و اعلامیه بلفور، مفهوم «سرزمین ملی» یهودیان را تأیید کرد و تلاش برای مهاجرت یهودیان به فلسطین آغاز شد. این موضوع با حمایت گسترده یهودیان ایران همراه شد (یوسفی، ۱۳۸۲، ص ۷۴).

موضوع مهاجرت یهودیان به فلسطین و موضع حکومت ایران در داخل و خارج بسیار حساسیت‌برانگیز بود و با واکنش‌هایی روبه‌رو شد (زارع، ۱۳۸۴، ص ۵۷). با اظهار استقلال رژیم اشغالگر قدس، مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های اشغالی شروع شد و ایران که سیاست مدارا و تسامح را در پیش گرفته بود، یهودیان کشورهای دیگر را که مستقیماً نمی‌توانستند به سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کنند، به سمت خود جلب کرد (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵). بر این اساس، تأثیرپذیری معماری مذهبی یهودیان ایران از معماری کنیسه‌های اصلاح‌گرایان غربی - مشخصاً در «کنیسه کوروش» - به سبب ارتباط گسترده با یهودیان سایر کشورها و حضور آنها در ایران قابل توجیه است.

از سوی دیگر رضاشاه در نیمه دوم سلطنت خود، با تغییر در سیاست بین‌المللی به آلمان تمایل پیدا کرد. نزدیکی به آلمان برای تعادل سیاست خارجی در مواجهه با انگلیس و روسیه بود (زرگر، ۱۳۷۲، ص ۱۴۱). این تغییر سیاسی تأثیرات متفاوتی در شرایط اجتماعی یهودیان فراهم آورد و موضع به‌دوستی آلمان و سیاستمدارهای نزدیک به آن، واکنش‌هایی در جامعه یهودیان ایران به‌وجود آورد. در این دوره فشارهای ویژه‌ای بر یهودیان وارد شد که برخلاف ادوار گذشته، ریشه مذهبی نداشت و بر پایه ریشه نژادی شکل گرفته بود.

تأثیر دیدگاه نازیسم و برتری‌طلبی نژادی با فتوحات آلمان‌ها در جنگ جهانی دوم عمدتاً از طرف نشریات و جراید و طبقه روشنفکر آن دوره... منتشر می‌شد (پیرنظر، ۱۹۹۶، ص ۹۶۹).

یهودیان از بعضی ادارات اخراج شدند و دانشکده افسری بر روی جوانان دیپلمه و لیسانسه یهود بسته شد. این روند هر چه به اواخر دوره رضاشاه و پیشرفت‌ها و پیشروی ارتش دول محور و آلمان نازی در تمام جبهه‌ها و به‌صورت چشمگیر به‌سوی خاورمیانه نزدیک می‌شد، شدت بیشتری می‌یافت (بصیرت‌منش، ۱۳۷۵، ص ۵۸).

در نتیجه، دوره پهلوی اول علی‌رغم حمایت‌های اولیه، با فشار گروه‌های روشنفکر نزدیک به حزب «تازی» و انگیزه‌های نژادگرایانه، نوعی بی‌ثباتی در شرایط اجتماعی یهودیان پدید آورد، به‌گونه‌ای که اشغال ایران توسط متفقین و روی کار آمدن محمدرضا پهلوی، با استقبال یهودیان مواجه شد (نیکبخت، ۱۹۹۶، ص ۷۶). از این رو بود که یهودیان مجال چندانی برای توسعه اماکن مذهبی خود در دوره پهلوی اول به‌دست نیاوردند. ساخت تنها ۴ کنیسه در این دوره، در مقایسه با ساخت ۲۵ کنیسه در دوره پهلوی دوم گواهی بر این مدعاست.

کنیسه‌سازی دوره پهلوی دوم به استثنای معماری گروه اول کنیسه‌ها که - در واقع - ادامه سنت معماری مذهبی یهودیان است، کاملاً متأثر از شرایط سیاسی - اجتماعی یهودیان بود. در این دوره مناسبات سیاسی میان حکومت پهلوی و اسرائیل و حمایت‌های همه‌جانبه از یهودیان از یک سو و بازتاب‌های اجتماعی آن در میان افشار مذهبی جامعه و مخالفان دولت از سوی دیگر، تأثیر مستقیمی بر معماری مذهبی یهودیان گذاشت.

قابل ذکر است که حکومت پهلوی تا اسفند ۱۳۲۸ش به‌سبب مخالفت‌های داخلی و بین‌المللی، جسارت تأیید رسمی اسرائیل را نداشت؛ اما در این تاریخ، دولت اسرائیل را به‌صورت موقتی به‌رسمیت شناخت (کفاش، ۱۳۸۸، ص ۷۵). هرچند مخالفت‌های مردمی و فشار کشورهای اسلامی در نهایت در دولت دکتر مصدق (۱۳۳۰) منجر به قطع ارتباط با اسرائیل شد (ازغذی، ۱۳۸۴، ص ۴۱۱)، اما در نهایت شرایط مناسب برای همکاری‌های ایران و اسرائیل با کودتای ۲۸ مرداد فراهم گردید.

در دهه ۱۹۶۰ میلادی، معلمان دینی برای تقویت آموزش دینی یهودیان از اسرائیل به ایران آمدند (تقوی، ۱۳۸۹، ص ۹۴). در این دوره فعالیت سیاسی یهودیان ایران بیشتر در جهت تقویت دولت اسرائیل بود؛ زیرا فعالیت‌های صهیونیستی در ایران قانونی اعلام شده بود. فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی یهودیان محافل و انجمن‌ها و مؤسسات فرهنگی را دربر می‌گرفت (تاج‌پور، ۱۳۵۳، ص ۱۳۹-۱۴۰). همچنین سیاست پهلوی دوم در قبال اسرائیل، چشم‌پوشی امنیتی برای یهودیان ایجاد می‌کرد. اسناد «ساواک» حاوی جزئیات تقاضای کمک‌های مالی ارتش اسرائیل از یهودیان ایران و ریز حمایت‌های مالی و افراد گردآورنده این وجوهات در کنیسه‌های گوناگون است (سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، ۱۳۸۱، ص ۵۱۸-۵۲۲). در چنین شرایطی ساخت کنیسه‌هایی با معماری شاخص برای این اقلیت فراهم شد. «کنیسه یوسف‌آباد»، «کنیسه حکیم»، «کنیسه بهشتیه»، کنیسه «خراسانی‌ها» و کنیسه «اتفاق» به حمایت‌های حکومتی بیش از استطاعت مالی و طراحی معماری نیاز داشتند. به بیان دیگر، اگر شرایط سیاسی - اجتماعی دوران پهلوی دوم و نوع همکاری آنها با سازمان‌های یهودی داخلی و بین‌المللی وجود نداشت، هیچگاه شرایط ساخت کنیسه‌هایی با این طراحی و ابعاد به‌وجود نمی‌آمد.

قابل ذکر است که روابط ایران و اسرائیل سرشار از پنهان‌کاری سیاسی و ظاهرسازی عوام‌فریبانه بود و چه در سطح خارجی و چه در سطح داخلی رسمیت آشکاری نداشت (ولایتی، ۱۳۸۰، ص ۱۴) و با مخالفت‌های گسترده روبرو بود. «انجمن کلیمیان» در تاریخ ۱۳۵۲/۷/۱۴ طی بخشنامه‌ای، خواهان تلاش برای حضور مأموران نظامی اوئینفرم‌پوش در هنگام عبادت و مراسم‌های مذهبی شد (همان، ص ۲۲۰). این خود مؤید عدم استقبال مردمی و شرایط اجتماعی نامناسب برای این اقلیت به‌شمار می‌رود. مخالفت مردمی به رهبری مذهبیان و صدور اعلامیه امام خمینی^ع و گروهی دیگر از مراجع مبنی بر براءت از اسرائیل و آگاهی نسبت به خطرات آن (ولایتی، ۱۳۸۶، ص ۲۴) در بطن جامعه نیز تأثیر دیگری در ساخت بناهای مذهبی این دوره داشت. پنهان‌سازی بناهای مذهبی که یکی از سنت‌های یهودیان در ادوار گذشته به‌شمار می‌رفت، در این دوره نیز به سبک و سیاقی جدید جلوه‌گر شد. ساخت «کنیسه - مدرسه‌ها» به تعداد نسبتاً زیاد که مختص این دوره است، رویکرد یهودیان برای دور کردن کنیسه‌ها از انظار عمومی به‌شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

اقلیت یهودی ساکن در سرزمین‌های اسلامی به‌علل گوناگون موفق به ایجاد سبک معماری ویژه و مختص خود نشده و معمولاً بناهای مذهبی آنان مقتبس از معماری پیرامون خود بوده است. معماری مذهبی یهودیان تهران در دوره قاجاریه، با توجه به شرایط اجتماعی و مذهبی حاکم بر آن دوره از لحاظ شکل، ابعاد و نما، متأثر از بناهای مسکونی تهران است. این شرایط به‌گونه‌ای بود که تمایلی برای آشکار کردن بناهای مذهبی در منظر عمومی وجود نداشت؛ هیچ نشان آشکاری برای متمایز کردن کنیسه از بناهای مسکونی به‌کار نمی‌رفت و اندیشه ایجاد معماری باشکوه و کنیسه‌ای با ابعاد بزرگ وجود نداشت. این در حالی است که تحولات اجتماعی پس از مشروطه به‌سرعت تغییراتی در معماری مذهبی این اقلیت به‌وجود آورد و نخستین کنیسه، خارج از محله یهودیان و با معماری متمایز و ابعاد و گنجایش بیشتر ایجاد شد. به بیان دیگر، معماری مذهبی یهودیان در دوره قاجار، سبک ویژه‌ای نداشت، اما با تغییر در ساختارهای سیاسی و اجتماعی اواخر آن، تمایل به ساخت بناهای شاخص و متمایز به‌وجود آمد.

معماری مذهبی یهودیان در دوره پهلوی به‌شدت تحت تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی بود. شرایط متمایز اوایل و اواخر دوره رضاشاه مجال چندانی برای خودنمایی کنیسه‌ها در بافت شهری نداد؛ اما متأثر از ارتباط گسترده این اقلیت با همکیشان اروپایی خود، رویکردهای جدیدی نزدیک به جنبش اصلاح‌گرایانه یهودیان اروپا در ساخت کنیسه‌های «کورش» و «پل چوبی» به‌وجود آورد. بهبود روابط ایران و اسرائیل و حمایت و اغماض دولت پهلوی دوم نسبت به یهودیان با چند برابر شدن ساخت کنیسه‌ها و بناهای باشکوه مذهبی به نقطه اوج خود رسید. از سوی دیگر برانگیخته شدن افکار عمومی نسبت به رژیم اشغالگر قدس و مخالفت‌های مردمی با سیاست‌های دولت، رویکرد پنهان‌سازی اماکن مذهبی را در میان یهودیان مطرح ساخت. بر این اساس، اماکن مذهبی یهودیان تهران در دوره قاجاریه و پهلوی متناسب با شرایط اجتماعی و سیاسی، رویکردهای متمایزی در معماری مذهبی بروز داده است.

منابع

- ابن فقیه، ابی بکر احمد بن محمد صمدانی، ۱۳۰۲ق، *مختصر کتاب البلدان*، بیروت، دارصار.
- اپستاین، ایزیدور، ۱۳۸۸، *یهودیت بررسی های تاریخی*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- اتحادیه، منصوره، ۱۳۷۴، «*رشد و توسعه شهر تهران در دوره ناصری*»، *تحقیقات اسلامی*، س ۱۰، ش ۲، ص ۱۴۵-۱۷۴.
- ازغدی، علیرضا، ۱۳۸۴، *روابط خارجی ایران (۱۳۳۰-۱۳۵۷)*، تهران، قومس.
- آنترن، الن، ۱۳۸۵، *باورها و آیین های یهودی*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- بریان، پی‌یر، ۱۳۷۷، *تاریخ امپراتوری هخامنشی*، ترجمه مهدی سمسار، تهران، زریاب.
- بشیری، احمد، ۱۳۶۳، *کتاب آبی*، ج ۴، تهران، نو.
- بصیرت منش، حمید، ۱۳۷۵، *سیاست مذهبی حکومت رضاشاه، تاریخ معاصر ایران*، کتاب دهم، تهران، مؤسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی.
- بنیان، جهانگیر، ۱۹۹۶م، «*محللات و گورستان های یهودی*»، مجموعه مقالات تروعا، آمریکا، مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران، ص ۲۱۷-۲۴۱.
- پاپادوپولو، الکساندر، ۱۳۶۸، *معماری اسلامی*، ترجمه حشمت جزنی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا.
- پیرنظر، ژاله، ۱۹۹۶م، «*جنگ بین الملل دوم و جامعه یهود در ایران*»، مجموعه مقالات تروعا، آمریکا، مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران، ص ۹۳-۱۰۶.
- تاج‌پور، محمدعلی، ۱۳۵۳، *تاریخ دواقلیت مذهبی یهود و مسیحیت در ایران*، تهران، فراهانی.
- تقوی، حسین، ۱۳۸۹، «*یهودیان در سرزمین های اسلامی*»، *معرفت ادیان*، ش ۵، ص ۱۰۶-۷۳.
- تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۹۳، *اودلاجان (عودلاجان)*، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- _____، ۱۳۹۵، *محلله کلیمیان تهران، تهران*، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- حقیقت نائینی، غلامرضا، محمد شیخی و مرتضی محمودی مهماندوست، ۱۳۹۸، «*بازخوانی مفهوم سکونت در محلات تهران در دوره قاجار و پهلوی*»، *جغرافیا*، ش ۶۱، ص ۷۰-۵۴.
- دهقان، فرید، ۱۳۸۹، *معماری اماکن مذهبی*، تهران، یزدا.
- زارع، رضا، ۱۳۸۴، *ارتباط ناشناخته: بررسی روابط رژیم پهلوی و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۷)*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- زرگر، علی اصغر، ۱۳۷۲، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه*، ترجمه کاوه بیات، تهران، پروین.
- سازمان های یهودی و صهیونیستی در ایران*، ۱۳۸۱، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
- سنگتراش، فتانه و حسنعلی پورمند، ۱۳۹۸، «*اندیشه یهودیان در ایجاد کنیسه*»، *هنر و تمدن شرق*، ش ۲۶، ص ۵-۲۰.
- شهبازی، عبدالله، ۱۳۷۷، *زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران*، ج ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
- صدیق‌پور، رافائل، ۱۳۸۳، «*کنیسه عبادتگاه کلیمیان*»، رساله کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه شهید بهشتی.
- _____، ۱۳۹۶، «*معماری کنیسه های اصفهان*»، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- <https://www.cgie.org.ir/fa/news/156037>
- علاتی، سیروس، ۱۳۸۱، «*اولین نقشه رسمی تهران، بازگوی فرهنگ شهری ایران در سده نوزدهم*»، *ایران شناسی*، ش ۵۵، ص ۵۲۷-۵۳۷.
- فرزین، رضا، ۱۳۸۰، «*دانشنامه دین داعی، سیدانته، ماشیح و...*»، *هفت آسمان*، ش ۱۰۹، ص ۳۴۶-۳۷۲.
- قانون، مرتضی، ۱۳۸۸، *دیپلماسی پنهان*، تهران، طبرستان.
- کریمیان، حسن و عباسعلی احمدی، ۱۳۹۴، «*باستان شناسی فضایی، رویکردی علمی در مطالعه و تحلیل آثار معماری، فضاهاى شهری و بافت کهن*»، *مطالعات باستان شناسی*، دوره ۷، ش ۲، ص ۱۰۳-۱۱۶.

- کریمیان، حسن و میثم نیک‌زاد، ۱۳۹۱، «تأثیر موازین فقهی بر شکل‌یابی معماری و محلات مسکونی اقلیت‌های یهودی و مسیحی در اصفهان دوره صفوی»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۴، ش ۲، ص ۱۹۳-۲۲۴.
- کفاش، مهین، ۱۳۸۸، *روابط خارجی ایران*، تهران، آوای نور.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود، ۱۳۸۲، «روابط ایران و اسرائیل در دوره دولت دکتر مصدق (۱۳۳۰-۱۳۳۲)»، *تاریخ روابط خارجی*، ش ۱۵، ص ۱۰۵-۱۶۰.
- کهنیم، روح‌الله، ۱۹۹۳م، *گنجینه‌های طلایی*، لوس آنجلس، روح‌الله کهنیم.
- کیانی، مصطفی، ۱۳۸۳، *معماری دوره پهلوی اول*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- گیای، یاسی، ۱۹۹۶م، «*بناهای تاریخی یهودیان ایران و طرح نوسازی مقبره استر*»، مجموعه مقالات تروعا، آمریکا، مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران، ص ۴۱-۶۹.
- لوی، حبیب، ۱۳۳۹، *تاریخ یهود ایران*، ج ۳، تهران، کتابفروشی یهودا بروخیم.
- مخبر دزفولی، عباس، ۱۳۷۱، *سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج*، تهران، طرح نو.
- مزلقانی، توران، ۱۳۹۳، «*بررسی عناصر نمادین در ساخت و آرایه‌های مسجد و کنیسه*»، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه هنر اصفهان.
- معتدی، محسن، ۱۳۸۱، *جغرافیای تاریخی تهران*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- معلمی، فاطمه، ۱۳۸۶، «*وضعیت اجتماعی یهودیان در دوره رضاشاه*»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- ملک، مهران، ۱۳۹۶، «گذری بر تاریخچه کنیسه‌های تهران»، *افق بینا*، ش ۴۵، ص ۵۳-۵۶.
- مهدی‌زاده، علی، ۱۳۸۴، «انبیاء بنی اسرائیل در ایران»، *مطالعات اسلامی*، ش ۷۰، ص ۱۸۷-۲۰۰.
- تصر، آمون، ۱۹۹۶م، «*نقش یهودیان در انقلاب مشروطیت*»، مجموعه مقالات تروعا، آمریکا، مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران، ص ۳۱-۴۰.
- نجمی، ناصر، ۱۳۷۰، *طهران عصر ناصری*، چ سوم، تهران، عطار.
- _____، ۱۳۷۷، *طهران در گذر زمان*، تهران، گوتنبرگ.
- نیکبخت، فریاد، ۱۹۹۶م، «*یهودیان در نهضت‌ها و احزاب سیاسی*»، مجموعه مقالات تروعا، آمریکا، مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایران، ص ۶۹-۹۲.
- ولایتی، علی اکبر، ۱۳۸۰، *ایران و تحولات فلسطین (۱۳۱۷-۱۳۵۷)*، تهران، وزارت امور خارجه.
- _____، ۱۳۸۶، *جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین*، تهران، وزارت امور خارجه.
- هنرفر، لطف‌الله، ۱۳۵۰، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، چ دوم، تهران، چاپخانه زیبا.
- یشایایی، هارون، ۱۳۸۸، *ما کلیمی‌ها چگونه آدم‌هایی هستیم؟*، تهران، نیلوفر.
- یوسفی، امیرمحمد، ۱۳۸۲، *ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- Cohen, Martin, A, 1978, Synagogue.in M. Eliade (Ed.) Vol.14, *Encyclopedia of Religion*, New York, Macmillan.